



سیدحسین حسینی
استادپار دانشکده شهید باهنر کرمان

ترسیم هویت دانشجوی مسلمان

مهندسی آرمانی‌اش برنیايد، به ناچار باید تن به پذیرش حاکمیت تمدن غربی و سیطره آن بر تمامی قلمروهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه خودی بدهد. در نتیجه، اگر به نقش مهم فرهنگ در تمدن سازی پی بردیم، به اهمیت دو چندان فرهنگ سازی برای دست یابی به شالوده‌های تمدنی جدید نیز رهنمون خواهیم شد.

د. فرهنگ و روابط دنیای جدید به غیر از تأثیر فرهنگ در توسعه و تمدن سازی، شاید بتوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های کلان تمایز جامعه قرن ۱۹ و ۲۰ با قرون گذشته را در قرار گرفتن «فرهنگ» به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و کاربردی‌ترین عناصر ارتباطی بین جوامع و دولت‌ها و در یک کلمه، کلیه ارتباطات انسانی به حساب آورد. دست کم اینکه بخش وسیعی از ارتباطات نوین، از این منظر و با بهره بری از نقش و توان مسائل فرهنگی

بی‌تردید، از آن رو که نظام آموزش عالی نیز یکی از ارکان مهم فرهنگی و جزئی از آن به حساب می‌آید، باید به نقش کلیدی آن در تمدن‌سازی توجه ویژه داشت.

ج. اهمیت تمدن‌سازی در دنیای امروز دو راه پیش روی ملت‌ها و جوامع بشری وجود دارد؛ یا باید منفعلانه مرعوب ساخت روابط امروز تمدن حاکم غربی شد و یا اینکه برخوردی فعال را پیش گرفت و در صدد تمدن‌سازی برآمد. راه نخست، به از دست دادن هویت و ملیت و فرهنگ خودی می‌انجامد و راه دوم، مسیر بازپایی هویت ملی و بازسازی ریشه‌های فرهنگی را به روی یک ملت می‌گشاید. برای بشر کنونی انتخاب سومی مطرح نیست؛ چنانچه جامعه و ملتی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند و در صدد ریشه‌یابی وضعیت موجود خود و طراحی

۱. اهمیت فرهنگ و نقش آموزش عالی الف. فرهنگ و توسعه امروزه یکی از شاخصه‌های کشورهای در حال توسعه را مسئله «فرهنگ» و به ویژه نقش نظام آموزش عالی در آن می‌دانند. فرهنگ و میزان و سطح ارتقای آن، معیاری برای توسعه یافتگی به حساب می‌آید. و در این زمینه، سخن از نقش نظام آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان مهم فرهنگ‌ساز است. نه تنها کشورهای در حال توسعه بلکه هر کشور و جامعه‌ای در دنیای جدید نمی‌تواند از تأثیر مهم فرهنگ در رشد و پیشرفت جوامع دور باشد.

ب. فرهنگ و تمدن از سوی دیگر، نباید از تأثیر مهم فرهنگ در تمدن‌سازی نیز غفلت ورزید. هر تمدنی برای پایداری خود نیازمند فرهنگ‌سازی است؛ چراکه بدون عنصر فرهنگ یکی از اصلی‌ترین شالوده‌های تمدن بشری استوار نخواهد شد.

انجام می‌پذیرد. و بی دلیل نیست که عصر امروز، عصر تبادل ارتباطات فرهنگی نامیده می‌شود.

یکی از نمونه‌های عینی که می‌تواند نشانگر تحلیل مزبور باشد در نظر گرفتن شیوه‌های استعمار کهنه و قدیم و مرز بین آن دو در اهمیت یافتن مسائل فرهنگی و تغییر مشی از منظر ارتباطات فرهنگی است. به این معنا که اگر در شیوه‌های استعمار قدیم و کهنه، بیشتر از راه کارهای فیزیکی و عملیات نظامی و مشابه آن استفاده می‌شد، استعمار نو، بهره‌گیری از راه‌های ارتباطی فرهنگی را مدنظر قرار داده؛ چرا که این شیوه در عین پنهانی و ناآشکار بودن، دارای تأثیر نفوذ بسیار بیشتر و ماندگارتری در جوامع خواهد بود. پیش‌تر هم اشاره شد که یکی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد و پدیدآوری هر تمدنی از قالب و در مجرای فرهنگ‌سازی یک جامعه صورت می‌پذیرد. بنابراین، استعمار نو از این طریق می‌تواند به سه نتیجه دست یابد:

۱. تأثیرگذاری مخفی؛
۲. تأثیرگذاری ماندگار؛
۳. تأثیرگذاری تمدنی.

هر یک از سه هدف مزبور به تنهایی نیز مطلوب است، اما با اصل قرار دادن ارتباطات فرهنگی، سه هدف یک جا به دست می‌آید. در استعمار فرانو، شاخصه دوم و به ویژه شاخصه سوم، به صورت خاص مورد توجه قرار گرفته است. در این نوع از استعمار، به جای تلاش‌های صرفاً جغرافیایی و چهره به چهره، تغییر و ذوب و انحلال فرهنگ‌ها به عنوان یک اصل و مبنا شناخته می‌شود.

همه دانشگاه امروز

نتیجه منطقی نکات مورد اشاره این

است که امروزه مهم‌ترین نقش و حساسیت نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سازی در جوامع است. دست‌یابی به توسعه جامع و پایدار جامعه اسلامی، ایجاد زمینه برای تمدن‌سازی آرمانی و مطلوب اسلامی - ایرانی، ذوب نشدن در ساخت روابط موجود تمدن غربی، و حضور فعال در پی‌ریزی مهندسی ارتباطات فرهنگی دنیای امروز و مقابله در برابر همجمله فرهنگی استعمار مدرن از دیگر تأثیرات نظام آموزش عالی در جامعه ما به شمار می‌آید.

فرهنگ دانشگاه توسعه جامعه عصر ارتباطات نو عصر استعمار نو تمدن‌سازی. همه موارد مزبور نشان دهنده معیارهایی است که دانشگاه امروز در جامعه ما باید خود را برای آن آماده سازد تا بتوان ادعا کرد نیازهای پیرامونی خود را به درستی شناخته است. به هر میزانی که از این ملاک‌ها دور شویم، در حقیقت، دانشگاه و نظام آموزش عالی را از دنیای جدید و لوازم ضروری آن دور ساخته‌ایم.

۲. نقش دانشجو در نظام آموزش عالی

در یک دسته‌بندی کلی، عناصر سازنده دانشگاه را می‌توان به دو دسته «عناصر انسانی» و «عناصر غیر انسانی» تقسیم کرد. عناصر انسانی شامل دانشجو، استاد، مدیریت و کارکنان، و عناصر غیر انسانی شامل فضای کالبدی می‌شود. در این میان، یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های انسانی در دانشگاه‌ها، دانشجویان هستند که بدون حضور و فعالیت علمی و دانشگاهی آنان، نظام آموزش عالی رونق شایسته و بایسته خود را نخواهد داشت.

این نقش زمانی پررنگ‌تر خواهد شد که تأثیر دانشجو را در ارتباط با فرهنگ یک جامعه ببینیم. بنابراین، می‌توان دانشجوی امروزی را دارای رسالت‌ها و وظایفی بسیار مهم‌تر از فراگیری دروس خاص علمی دانست. دانشجوی امروزی در جامعه اسلامی نمی‌تواند پیرامون ضرورت‌های چهارگانه ذیل نیندیشد و نسبت کار و تلاش خود را با آنها تعیین نسازد؛ ۱. ضرورت توسعه جامعه؛ ۲. ضرورت تمدن‌سازی آرمانی؛ ۳. ضرورت توجه به عصر ارتباطات نو و نقش فرهنگ‌سازی؛ ۴. ضرورت توجه به شیوه‌های فرهنگی استعمار نو.

ایفای چنین نقش مهم و تاریخ‌سازی بدون حصول شرایطی خاص ممکن به نظر نمی‌رسد. از این رو، باید به ترسیم هویت جدید دانشجویی متناسب با نیازهای نوری آورد.

۳. ترسیم هویت دانشجویی

برای مشخص کردن ویژگی‌های یک دانشجو متناسب با شرایط موجود جامعه و دنیای امروز، توجه به شش اصل هویت‌ساز ضروری است:

الف. علم‌جویی

نخستین عنصر اصلی دانشجویی، علم‌ورزی و علم‌جویی است. دانشجو فردی است دارای انگیزه‌های قوی و محکم دانش‌طلبی و جویای کسب علم و بالا بردن توان بینشی خود؛ هم در جهت افزایش حجم اطلاعات علمی و هم در بهینه‌سازی اطلاعات و عمق بخشیدن به آن؛ یعنی پی‌جویی توأمان کمی و کیفی در رشته تخصصی خود.

آنچه مقابل این عنصر، از نشانه‌های دانشجویانمایی به حساب می‌آید،

یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های انسانی در دانشگاه‌ها،

دانشجویان هستند

که بدون حضور

و فعالیت علمی و

دانشگاهی آنان،

نظام آموزش عالی

رونق شایسته و

بایسته خود را

نخواهد داشت.

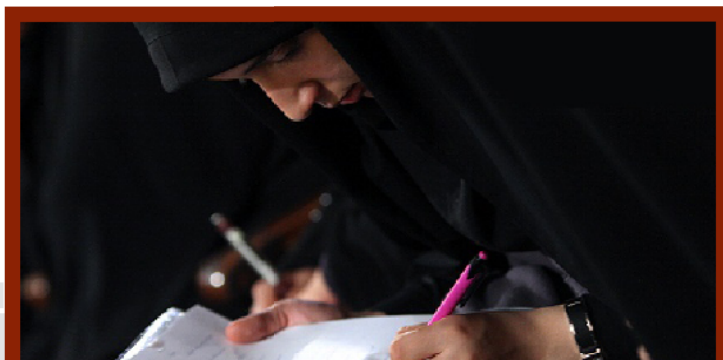
این نقش زمانی

پررنگ‌تر خواهد شد

که تأثیر دانشجو را

در ارتباط با فرهنگ

یک جامعه ببینیم.



انگیزه‌های ضد علم‌ورزی است؛ چه به صورت کسب صرفاً نام و نشان و مدارج و مدارک کاغذی و چه به صورت طلب درآمد بیشتر و یا نیت‌های صرفاً مادی و دنیوی

با سایر بدنه‌های جامعه خواهد بود؛ چرا که بدون چنین حساسیت‌های اجتماعی، ارتباط دانشگاه با دنیای پیرامونش بریده می‌گردد. بنابراین، یک دانشجو نمی‌تواند نسبت به مسائل و معضلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود و حتی جامعه جهانی‌اش بی‌تفاوت و بدون انگیزه باشد. عنصر تعهد ملی و میهنی او را وادار به دخالت و نشان دادن بینداری خواهد نمود؛ «خفته بیدار باید پیش ما».

نقطه مقابل چنین بینداری و هوشیاری دانشجویی، بی‌تفاوتی، خنثی بودن و خاموشی در برابر حساسیت‌های ملی و دینی است که نتیجه آن، قطع ارتباط دانشگاه با ضرورت‌ها و اقتضائات برآمده از جامعه ملی و جامعه جهانی، و به دنبال آن، عدم فهم و عدم تلاش علمی برای حل بحران‌هایی است که در نهایت، مجموعه دانشگاه را نیز در بر خواهد گرفت.

ج. فهم عصری

علاوه بر انگیزه فردی علمی و نیز حساس بودن به مسائل جمعی، فهم مقتضیات عصر جدید نیز از لوازم امروز تشکیل دهنده هویت دانشجویی به حساب می‌آید. فهم عصری شامل فهم مسائل جامعه خود و نیز جامعه جهانی است؛ یعنی

دارا بودن قدرت تشخیص و تحلیل؛ هم در مسائل ملی و هم در موضوعات فراملی. بر این مبنا، دانشجو عصری فهم است؛ به این معنا که قدرت تشخیص و توان تحلیل درست مسائل گوناگون عصر خود را پیدا کرده. تفاهم فهم با علم در این است که در یکی سخن از کسب دانش و اطلاعات بیشتر است و در دیگری، به کارگیری روش صحیح تحلیل و بررسی. البته هر دانشجویی باید به دو زیور دانش (علم) و بینش (فهم) آراسته

گردد و اهمیت توان تحلیل علمی و منطقی مسائل را از یاد نبرد.

آنچه مقابل این عامل صف آرایی می‌کند فهم نبودن است که می‌تواند به انحراف در تحلیل مسائل و یا ساده انگاری و کج فهمی مشکلات و معضلات اجتماعی و یا جهانی بینجامد و طبیعتاً حرکت‌های دانشگاهی و به ویژه خط سیر گروه‌های دانشجویی را به مسیری بر خلاف جهت حرکت جامعه و یا مقابل ضرورت‌ها و نیازهای جهانی سوق دهد که بسیار مخرب و اصلاح آن فرصت سوز خواهد بود.

بنابراین، دانشجوی فهم امروز باید قدرت فهم و تشخیص راه‌های تحلیل و نقد و بررسی علمی تمامی مسائل پیرامونی خود، اعم از موضوعات و معضلات فردی و شخصی، نیازها و ضروریات جامعه دانشگاهی، جامعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، پدیده‌های ملی و کشوری و نیز رویدادهای جهانی و فراملی در عصر ارتباطات جدید را داشته باشد.

د. آزادگی دینی

عنصر چهارم سازنده هویت دانشجویی، اصل آزادگی است. دانشجوی مسلمان، انسانی آزاده بوده و در برابر بندگی غیر خدا ایستادگی می‌کند و از این رو، روح آزادگی دینی در او به اوج درخشش خود می‌رسد. او تنها بنده خدای بزرگ است و از این بندگی به شکوه آزادگی دنیوی و افتخار سرافرازی رسیده و همین عامل او را در برابر هیچ قدرتی زیون و ذلیل نمی‌سازد. از این رو، دانشجوی مسلمان ایرانی بر داشته‌ها و کاشته‌های میهنی و مذهبی خود تکیه کرده و هرگز مرعوب دستاوردهای رنگارنگ تمدن‌های حاکم نخواهد شد.

این روحیه از سویی به او امید حرکت داده و از سوی دیگر، در برابر داشته‌های دیگران، خودباخته و شکست خورده نخواهد شد. از این رو، با تکیه بر شعار «ما می‌توانیم» به سوی پیشرفت و نوآوری می‌تازد.

این عنصر را نیز می‌توان برآمده از اقتضائات عصر جدید استعماری دانست که مقابل آن، ضد آزادگی دینی به معنای بردگی و بندگی در برابر غرب و تمدن مادی کنونی



محض. آنچه در درجه اول، یک دانشجو به آن نیاز دارد برخورداری از انگیزه قوی و بالای کار و تلاش علمی و عطش پی گیری مسائل حوزه دانش و دنبال کردن راه حل‌ها و پاسخ گویی به آنهاست.

ب. حساسیت اجتماعی

عامل دوم، بی‌تفاوت نبودن نسبت به مسائل جامعه و حوزه پیرامونی دانشگاه است. این ویژگی برآمده از ضرورت ارتباط دانشگاه

و اراده دانشجویان ایرانی بسیار بلندتر و محکم‌تر از همه این ناملازمات است. در نهایت - همان‌گونه که اشاره شد - هر یک از عناصر شش‌گانه در ترسیم هویت دانشجویی، برآمده از یکی از ضرورت‌های چهارگانه نقش دانشگاه در فرهنگ می‌باشد که توجه به آنها بسیار مهم خواهد بود:

۴. شعارهای دانشجویی

بر اساس آنچه مطرح گردید، می‌توان منظومه شعارهای دانشجویی نظام آموزش عالی امروز میهن اسلامی را چنین تنظیم کرد:
- اول: ما طالب دانشیم ← عنصر علم

و. انگیزه تمدنی

آخرین عنصر هویت‌ساز دانشجویی در دوران کنونی ما - که به نظر می‌آید مهم‌ترین آنها هم باشد - حضور انگیزه تمدن‌سازی در دانشجویان امروز است. این عامل دقیقاً برآمده از ضرورت تمدن‌سازی است که از آن سخن به میان آمد و مقصود، این است که دانشجوی امروز جامعه اسلامی در قالب دانشگاهی قرار گرفته که می‌تواند در چارچوب نظام فرهنگی خاص خود، نقش مؤثری در ایجاد تمدن جدید اسلامی در تاریخ بشریت به عهده گیرد. بنابراین، دانشجوی امروز باید در این زمینه تلاش کرده تا خود را برای ایفای چنین نقش

و خودباختگی محض نسبت به همه محصولات فکری و یا کالاهای فرهنگی آنان است.

همه ایمان پاک و استوار

هویت پنجم دانشجویی، برخورداری از ایمان پاک و استوار است. ایمان حقیقی و الهی، روحیه و توانی درونی و نفسانی است که از سوی، برای انسان طهارت و پاک‌ی به ارمغان می‌آورد و او را در یک حصن حصین قرار می‌دهد. از سوی دیگر، به انسان استواری و استقامت می‌بخشد. بنابراین، ایمان الهی، حاصل جمع پاک‌ی و استواری است. هر

دانشجویی در حیات دانشگاهی خود به دو دسته عوامل ضروری نیاز دارد: ۱. طهارت و پاک‌ی؛ ۲. استواری و استقامت. هر دو عامل، محصول و برآمده از ایمان الهی هستند. اولاً، ایمان حقیقی الهی او را به پاک‌ی بینی (در حوزه بینش و تفکر)، پاک‌ی دلی (در حوزه امیال و تمایلات درونی)، پاک‌ی عملی (در حوزه رفتارها و افعال) و پاک‌ی ارادی (در حوزه اختیار و انتخاب و گزینش راه) سوق می‌دهد. ثانیاً، او را دعوت به ایستادگی و صبوری می‌کند و طبیعتاً بدون این دو دسته، پاسخ‌گویی به انتظارات فردی، جمعی، ملی، تمدنی، دینی و مذهبی - که پیش‌تر مطرح شد - ممکن نخواهد بود.

اما مقابل این عنصر و ضد ایمان الهی، ناکامی در تمامی قلمروهای وجودی انسان است: خطای در حوزه نگرش و افکار، انحراف در اخلاق و امیال و رذایل درونی، آلودگی به گناه و کجی‌های رفتاری و عملی و اتخاذ تصمیمات اشتباه و انحرافی و انتخاب گزینه‌های ناروا. با نبود ایمان الهی هیچ روزنه‌ای برای استواری و صبوری در برابر فوج عظیم مشکلات و گرفتاری‌ها وجود نخواهد داشت. در نتیجه، انسان به انجام وظایف معین خود دست نیافته و یا در انجام رسالت‌های خویش به انحراف و اشتباه کشیده می‌شود.



جویی؛

- دوم: ما بیداریم ← عنصر حساسیت

اجتماعی؛

- سوم: ما فهیمیم ← عنصر فهم عصری؛

- چهارم: ما می‌توانیم ← عنصر آزادی

دینی؛

- پنجم: ما مؤمنیم ← عنصر ایمان الهی؛

- ششم: ما تمدن‌سازیم ← عنصر

تمدنی.

منابع در دفتر نشریه موجود است.

تاریخ‌سازی آماده سازد.

هم اکنون این فضا برای دانشجویان فراهم می‌باشد. مشکلات ریز و درشت جامعه مانع از آن نیست که دانشجوی مؤمن، آزاده، فهیم و بیدار، نقش حیاتی خود را در ترسیم نقشه آینده بشریت با «زمینه‌سازی علمی پایه‌های فرهنگی تمدن دینی» به فراموشی گذارد.

اگرچه راه، طولانی و مسیر، پریچ و خم و بس پیچیده و دشوار است، اما همت